

ناصر ثقفی‌عامری^۱

سیاست امنیتی روسیه تحت تأثیر شرایط در حال گذار آن کشور در حال تحول می‌باشد. این سیاست با نگرش نخبگان و رهبران و بخصوص ریاست جمهوری روسیه که نقشی اساسی در این زمینه دارد در ارتباط نزدیک بوده و از آن تأثیر پذیر است. انتخاب آقای پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید روسیه انظار بین‌المللی را متوجه سیاستهایی که دولت وی به‌ویژه در قبال مسایل امنیتی اتخاذ می‌نماید نموده است. در این زمینه نکات زیر قابل ملاحظه است: آقای پوتین وارث دوران زمامداری طولانی آقای یلتسین است. آقای یلتسین در دوران حساس تشکیل فدراسیون روسیه با چالشهای مختلفی به‌ویژه در صحنه بین‌المللی روبرو بود. ولی موفقیت‌های اولیه وی بتدریج در اثر ضعف سلامت جسمانی و مداخله خویشان و نزدیکان وی در اداره امور کشور کم‌رنگ‌تر شد. از آنجا که سیاستهای امنیتی روسیه می‌تواند بر کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای همجوار آن تأثیرگذار باشد در این مقاله از چنین دیدگاهی به ابعاد خارجی سیاست امنیتی روسیه پرداخته شده است.

روسیه مانند هر کشور دیگری برای رفع تهدیدات و حفظ امنیت خود اولویت‌های خاصی قائل است. این امر به لحاظ آنکه روسیه در پی فروپاشی شوروی در صدد ایجاد ساختارهای نو در داخل کشور و تنظیم روابط خارجی خود بر مبنای جدیدی برآمده است برای آن کشور از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. از آنجا که سیاستهای امنیتی روسیه می‌تواند بر کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای همجوار آن تأثیرگذار باشد در این مقاله از چنین دیدگاهی به ابعاد خارجی سیاست امنیتی روسیه می‌پردازیم. در بررسی سیاستهای جاری و یا در حال شکل‌گیری امنیتی در روسیه بدو سؤال زیر به ذهن متبادر می‌شود:

۱. آقای ناصر ثقفی‌عامری سردبیر فصلنامه آموذریا است.

۱. شرایط ژئوپلیتیک چه نقشی در سیاست امنیتی روسیه ایفا می‌کند؟
۲. سیر تحولات در سیاست امنیت خارجی روسیه طی ده سال گذشته چگونه بوده است و اصولاً نقش رئیس‌جمهور در این سیاست‌گذاری‌ها چیست؟
۳. مناطق و یا حوزه‌های امنیتی روسیه کدامند؟ به عبارت دیگر آیا روسیه سیاست یکنواخت و همسانی را در حوزه‌های امنیت خارجی خود تعقیب می‌نماید و اگر چنین نیست رئوس این سیاست را در حوزه‌های اصلی چگونه می‌توان تبیین نمود؟
۴. ابزارهای اصلی که روسیه در تعقیب سیاست امنیتی خود تعقیب می‌نماید کدامند؟
۵. سیاست امنیتی روسیه در آینده و در دوره ریاست جمهوری آقای پوتین را چگونه می‌توان ارزیابی نمود؟

بدیهی است ارائه پاسخی جامع به سؤالات فوق در عین حال که برای تشخیص سیاست‌های امنیتی روسیه اهمیت اساسی دارد از حوصله یک مقاله خارج است و از این رو در اینجا سعی خواهد شد به اختصار، به اهم مطالب پرداخته شود.

خاستگاه ژئوپلیتیک روسیه

فدراسیون روسیه که ابتدا به صورت امپراتوری روسیه و سپس شوروی شکل گرفت دارای گستره‌ای در دو قاره اروپا و آسیا بوده و این خصوصیت منحصر به فرد در شکل‌گیری سیاست‌های امنیتی آن تأثیری بسزا داشته است. منطقه‌ای که روسیه در آن واقع شده است در مناطق حساسی از لحاظ ژئوپلیتیک واقع گردیده که واجد خصوصیات ویژه‌ای است.

«هالفورد مکیندر» در فرضیه خود معتقد است که بخشی که وی آن را «قلب زمین» نام نهاد از ارزش فوق‌العاده ژئوپلیتیک برخوردار است.^۱ نامبرده در ارتباط با این فرضیه چالشی

۱. برخی نظریه‌پردازان جدید از جمله «برژینسکی» نیز مانند «مکیندر» معتقدند که «اورآسیا» در «سیاست جهانی» نقش محوری را ایفا می‌نماید.

مستمر را میان قدرتهای بحری و بڑی پیش‌بینی می‌نماید که این امر در ارتباط با کشور قاره‌ای روسیه و قدرتهای دریایی مصداق می‌یابد.

دسترسی روسیه به آبهای گرم یکی از اهداف راهبردی زمامداران روسیه در قرون گذشته بوده است. وصیتنامه‌ای که به پتر کبیر منسوب می‌باشد در این زمینه از شهرت خاصی برخوردار گردیده است. تلاش برای دسترسی به آبهای گرم و حفظ راههای تجارت دریایی موجب گردید تا روسیه به داشتن نیروی دریایی قدرتمند گرایش یابد. از این رو در دوران شوروی، روسیه یکی از بزرگترین ناوگانهای دریایی را جهت حمل و نقل کالا علاوه بر ناوگان قدرتمند نیروی دریایی خود به وجود آورد. در دوران جدید نیز توجه روسیه به قدرت دریایی همچنان پابرجاست. برای مثال آقای پوتین در بازدیدی که از پایگاه دریایی کالینین‌گراد به مناسبت روز نیروی دریایی روسیه به عمل آورد طی نطقی گفت: «مقام و موقعیت روسیه همیشه وابسته به موقعیت نیروی دریایی کشور بوده است. زمانی که نیروی دریایی ضعیف شود بدترین وضع برای کشور خواهد بود و زمانی که روی پای خود بایستد روسیه نیز قد علم می‌کند و قادر است که خود را قدرت بزرگ بنامد»^۱.

شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سیر تحولات در سیاست امنیتی روسیه

در روزهای اولیه پس از فروپاشی شوروی مهمترین دغدغه زمامداران روسیه حفظ تمامیت ارضی آن کشور و تثبیت موقعیت آن به عنوان وارث اصلی شوروی بود. در این راستا تلاشهای گسترده‌ای به منظور حفظ موقعیت روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ در صحنه بین‌المللی از جمله حفظ زرادخانه هسته‌ای و سایر تسلیحات استراتژیک شوروی به عمل آمد.

1. The Moscow Times, August 22, 2000.

نهایتاً این امر در پی فروپاشی شوروی طی توافق، جهت پذیرش کلیه دیون شوروی سابق از طرف فدراسیون روسیه که بالغ بر میلیاردها دلار می‌گردید عملی گردید. این سیاست با تفاهم و همکاری غرب و به‌ویژه آمریکا تحقق یافت. در مقطع تاریخی مزبور نگرانی عمده غرب پراکنده بودن تسلیحات هسته‌ای در جمهوری‌های سابق شوروی و احتمال اشاعه آن به سایر کشورها بود. از سوی دیگر، شرایط در اروپای شرقی هنوز تثبیت نشده بود و غرب به حسن نیت و همکاری روسیه نیاز مبرم داشت.

کمک‌های آمریکا برای متقاعد ساختن جمهوری‌های سابق شوروی که تسلیحات هسته‌ای راهبردی در آنجا مستقر بود به‌ویژه در اوکراین و قزاقستان جهت واگذاری و انتقال تسلیحات هسته‌ای خویش به روسیه در ابتدا با مشکلاتی مواجه گردید و فقط پس از ارائه کمک‌های سخاوتمندانه‌ای به آنان عملی گردید.

دوران یلتسین

دوران همکاری امنیتی میان روسیه و غرب که دور نمای همگرایی همه‌جانبه‌ای را تحت عنوان «خانه مشترک اروپایی» نوید می‌داد، با اولین زمزمه‌های الحاق برخی از کشورهای اروپای شرقی به ناتو و سپس طرح گسترش ناتو به شرق، وارد مرحله جدیدی از تردیدها و سوؤظن‌ها در روسیه گردید. این نگرانی‌ها در پی پشتیبانی ترکیه (متحد ناتو) از جمهوری آذربایجان در بحران قره‌باغ و سپس در دور اول مناقشات در چینستان که غرب رویه منتقدانه‌ای در قبال روسیه در پیش گرفت تشدید شد. معه‌ذا روسیه در جهت جلوگیری از تشدید بحران در روابط امنیتی خود با غرب که در این مقطع زمانی هنوز امیدهای خود را به ایجاد پیوندهایی با آن از دست نداده بود و از طرف دیگر نیازمند کمک‌های مؤسسات مالی غرب بود؛ به تلاشهایی از جمله تقویت نقش سازمان همکاری و امنیت اروپا در حل اختلافات منطقه‌ای که به‌زعم روسیه می‌توانست در

کمرنگ کردن نقش ناتو مؤثر واقع شود همت گماشت. در این راستا، روسیه در دور اول بحران در چینستان نقش میانجیگرانه آن سازمان را پذیرا گردید. از سوی دیگر روسیه ظاهراً به منظور تأثیرگذاری بر روند «گسترش ناتو به شرق» و به رغم مخالفت رسمی که با آن سیاست می نمود به طرح «مشارکت برای صلح» ناتو ملحق گردید و در برنامه‌های آن از جمله مانورهای مشترک در آسیای مرکزی شرکت کرد. سیاستهای مذکور با نوسانات مختصری تا زمان بحران «کوزوو» و مداخله مستقیم نیروهای ناتو در این بحران ادامه یافت. در جریان بحران «کوزوو» تضاد سیاستهای امنیتی روسیه با ناتو کاملاً علنی شد.^۱

جلوه‌ای دیگر از سیاستهای امنیتی روسیه در این دوره، مواضع این کشور در مذاکرات دوجانبه خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای استراتژیک با آمریکا می باشد. روسیه مانند سایر قدرتهای هسته‌ای به تسلیحات هسته‌ای نه تنها به عنوان ابزار مهم نظامی بلکه به عنوان نماد یک «قدرت بزرگ» می نگرد. این گرایش در سالهای اخیر بیش از پیش نمایان گردیده^۲ و همان طور که در سطور آینده به آن اشاره خواهد شد در آئین (دکترین) هسته‌ای روسیه نیز انعکاس یافته است. مذاکرات محدودیت تسلیحات هسته‌ای میان شوروی و آمریکا که دور اول آن در اواخر دوران گورباچف به امضا رسید و به پیمان «استارت - ۱» مشهور می باشد در دوران روسیه و زمامداری یلتسین ادامه یافت و در اوج تفاهم‌های امنیتی دو کشور، معاهده «استارت-۲» در سال ۱۹۹۳ به امضای زمامداران آمریکا و روسیه رسید. به موجب این معاهده حجم تسلیحات

۱. برای مثال در پی تحولات مذکور آقای الکسی آرباتوف یکی از اعضای دومای دولتی روسیه درباره روابط روسیه با غرب گفت: «امیدهای اولیه و طرحهای اوایل دهه ۹۰ مرده‌اند و روابط طی سالهای اخیر بشدت صدمه دیده است». رجوع شود به:

«U.S. - Russia Relation: A New Chill», Global Beat, Issue Brief No.55, Feb 2/1999.

۲. برای مثال رجوع شود به: ب.ام. بارینکین «تهدیدات نظامی علیه روسیه و مسایل موجود در نیروهای نظامی آن کشور»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال نهم، دوره سوم، شماره ۲۹، بهار ۱۳۷۹، ص ۷۹.

هسته‌ای راهبردی دو طرف تا سال ۲۰۰۷ میلادی به ۳۵۰۰ کلاhek کاهش خواهد یافت. معاهده «استارت - ۲» در ابتدا از پشتیبانی لازم برای تصویب در دوماي روسیه که در کنترل احزاب کمونیست و احزاب همسو با آن بود، برخوردار نگردید و عدم تصویب آن به شکل اهرمی در برابر دولت یلتسین و مهمتر از آن در برابر غرب به کار گرفته شد. ولی با تشکیل دوماي جدید در روسیه که در پی انتخابات سال ۱۹۹۹ به وجود آمد معاهده «استارت - ۲» که ضمناً همزمان با دوران ریاست جمهوری پوتین بود به تصویب رسید.

به طور کلی در دوران ریاست جمهوری یلتسین روسیه فاقد یک سیاست امنیتی منسجم بود. در واقع سیاست امنیتی روسیه در چارچوب سیاست اقتصادی روسیه که مبتنی بر تشدید روابط با کشورهای پیشرفته صنعتی و جهان سرمایه‌داری جهت ایجاد ساختارهای مالی و اقتصادی مورد نیاز در روسیه بود، تعریف می‌گردید. در این راستا سیاست امنیتی روسیه بر این اصل تکیه داشت که از هر اقدامی که موجب اختلال در روابط اقتصادی مذکور شود خودداری کرده و با این سیاست تمامیت ارضی و یکپارچگی روسیه را حفظ نماید.^۱

سیاست امنیتی «پوتین»

آقای پوتین در دوران کوتاه زمامداری خود، رویکرد جدیدی در زمینه سیاست امنیتی روسیه به‌ویژه در امر تسلیحات راهبردی در پیش گرفته است که به تصویب رساندن معاهده «استارت - ۲» و پیشنهادی که در مقابل طرح دفاع ضد موشکی آمریکا مبنی بر ایجاد یک «سیستم دفاع ضد موشکی مشترک اروپایی» را می‌توان از شاخصه‌های مهم آن به‌شمار آورد. در مورد

۱. آقای یلتسین در دوران حساس تشکیل فدراسیون روسیه با چالشهای مختلفی به‌ویژه در صحنه بین‌المللی روبه‌رو بود. ولی موفقیت‌های اولیه وی بتدریج در اثر ضعف سلامت جسمانی و مداخله خویشان و نزدیکان وی در اداره امور کشور موجب اختلال در سیاست امنیتی روسیه گردید و این امر در کناره‌گیری زودتر از موعد وی از قدرت بی‌تأثیر نبوده است.

اخیر، آقای پوتین در اولین سفر اروپایی خود پس از احراز مقام ریاست جمهوری روسیه و در یک سخنرانی خطاب به رهبران تجاری آلمان گفت: همکاری بین ما می‌تواند به صورت احداث یک سیستم دفاع موشکی غیراستراتژیک درآید که با اطمینان تمام، اروپا را از اقیانوس اطلس تا کوه‌های اورال پوشش دهد. وی گفت روسیه برای این همکاری آماده است.^۱

از سوی دیگر، رئیس جمهوری جدید روسیه اشاراتی نیز به تهدیداتی که متوجه کشورش می‌باشد نموده است. پوتین در اواخر سال ۱۹۹۹ در اشاره به سیاست امنیتی روسیه اظهار داشت: «چند سال قبل [بلافاصله پس از فروپاشی شوروی] ما دچار این توهم شدیم که دشمنی نداریم».^۲ نامبرده در مواردی دیگر نیز نگرانی خویش را از ظهور مجدد نگرش‌های منفی در غرب در قبال روسیه و تهدیدات ناشی از آن ابراز داشته است. با این حال و به‌رغم تدوین آئین نظامی جدیدی در روسیه، غیرمحمّل به‌نظر می‌رسد که آن کشور در صدد مقابله جویی با آمریکا و یا ناتو برآید ولی با این حال تلاش خواهد کرد حداکثر امتیاز را در قبال موافقت با حداقل تغییراتی که در معاهدات جاری کنترل تسلیحات و به‌ویژه در ارتباط با تسلیحات هسته‌ای انجام می‌شود به‌دست آورد. در این راستا پوتین در اولین دیدار رسمی خویش به‌عنوان ریاست جمهوری روسیه با کلینتون اظهار داشت که با آمریکا دیدگاه‌های مشترکی دارند. ولی وی در عین حال به آمریکا هشدار داد و گفت: اگر بخودمان اجازه دهیم که توازن نیروها و منافع موجود در امنیت جهانی را به هم بزنیم عواقب بسیار وخیمی خواهد داشت.^۳

آئین هسته‌ای جدید روسیه

پوتین در یکی از اولین اقدامات خود به‌عنوان کفیل ریاست جمهوری روسیه طرح مفهوم

۱. خبرگزاری رویتر - روزنامه ایران ۱۳۷۹/۳/۲۸.

2. Oxford Analytica Daily Brief, Mar 28, 2000.

۳. روزنامه ایران، ۱۳۷۹/۳/۲۸.

امنیت ملی روسیه را (در تاریخ ۶ ژانویه ۲۰۰۰) تصویب نمود.^۱ یکی از جلوه‌های آئین نظامی جدید روسیه تعبیری گسترده‌تر از شرایطی است که به موجب آن روسیه خود را مجاز می‌داند که به‌عنوان «طرف اول» به استفاده از سلاحهای هسته‌ای بپردازد. چنین استفاده‌ای فراتر از آن شرایطی است که در سند سال ۱۹۹۳ روسیه برای استفاده از سلاحهای هسته‌ای پیش‌بینی شده بود.^۲

هرچند در سند جدید امنیتی روسیه به امور گسترده‌ای مانند تروریسم نیز اشاره شده لیکن توجه عمده ناظرین بین‌المللی به مقررات مربوط به تسلیحات هسته‌ای بوده است. در سند سال ۱۹۹۷ حق توسل به تسلیحات هسته‌ای در شرایطی که حمله نظامی موجب تهدیدی بر علیه موجودیت فدراسیون روسیه به‌عنوان «یک دولت مستقل با حاکمیت» شود پیش‌بینی شده بود. در حالی که در سند جدید، روسیه خود را مجاز می‌داند که «از کلیه ابزارها و نیروهایی که در اختیار دارد از جمله تسلیحات هسته‌ای برای دفع تجاوز مسلحانه بر علیه خود و یا متحدین‌اش و در حالی که بهره‌گیری از ابزارهای دیگر برای جلوگیری از اضمحلال روسیه امکان‌پذیر نیست، استفاده نماید».^۳ به گفته دکتر سوکوف یکی از کارشناسان تسلیحات استراتژیک: «دیگر سلاحهای هسته‌ای [برای روسیه] فقط برای موارد اضطراری نیستند و اینک از آنها می‌توان در جنگهای محدود که ضرورتاً موجودیت روسیه را تهدید نمی‌کنند نیز استفاده نمود».^۴

1. Russia's National Security Concept (KNB)

2. Oxford Analytica Daily Brief, Jan 17, 2000.

3. Davied Sumner, «Russian Perceptions of Nuclear Weapons», Disarmament Diplomacy, Issue No.44, March 2000.

4. Ibid

حوزه‌های امنیتی روسیه

در یک نظر به موقعیت روسیه در نقشه جغرافیا بخوبی مشخص می‌گردد که این کشور پهناور در همسایگی مناطق جغرافیایی مختلفی قرار دارد که شرایط ژئوپلیتیک هر یک سیاست امنیتی ویژه‌ای را برای آنان ایجاد می‌نماید. در هر یک از مناطق مذکور از غرب به شرق نکات زیر قابل ملاحظه‌ای است:

اروپا

در طول تاریخ روسیه که بخشی از سرزمین آن در قاره اروپا واقع شده روابط پیچیده و پراز فرازونشیبی با سایر قدرتهای اروپایی داشته است. از لحاظ امنیتی روسیه به اروپای شرقی به‌عنوان معبری که در مقطعی از تاریخ از آن منطقه مورد تهاجم نظامی واقع شده است نگریسته^۱ و لذا حضور اتحادیه نظامی ناتو را در منطقه مذکور تهدیدی بالقوه برای خود تلقی می‌نماید. حساسیت روسیه در مورد امنیت مرزهای خود در اروپا در پی فروپاشی شوروی و شکل‌گیری مرزهای کنونی بیشتر شده است. از لحاظ جغرافیایی بخشی از سرزمین روسیه یعنی منطقه «کالینین‌گرا»^۲ فاقد ارتباط خشکی با خاک اصلی روسیه است و برای دسترسی به آن باید از یکی از دو کشور لهستان و یالیتوانی عبور نماید. در پی عضویت لهستان در پیمان ناتو و در صورت الحاق لیتوانی به ناتو روسیه عملاً از سوی اعضای ناتو محاصره خواهد شد و از این رو اخطار روسیه در «عدم تحمل» الحاق کشورهای اروپای شرقی و بالاخص جمهوری‌های بالتیک

۱. این نگرانی امنیتی همیشه در روسیه وجود داشته است. آندره گرمیکو وزیر خارجه معروف دوران شوروی در خاطرات خود راجع به کنفرانس «یالتا»، هنگام تصمیم‌گیری سران سه کشور پیروز در جنگ درباره سرنوشت لهستان می‌نویسد: «در طول تاریخ، لهستان به‌عنوان معبری برای تهاجم ارتشهای غیردوست به روسیه بوده است». نگاه کنید به:

A. Gromyko, «Memories», Hatchinson, London..., 1989, p.91.

2. Kaliningrad Oblast

به ناتو در این راستا قابل توجه می‌باشد.^۱ حساسیت امر به حدی است که برخی از کارشناسان نظامی پیش‌بینی می‌نمایند که روسیه در صورت الحاق جمهوری‌های بالتیک به ناتو به تلافی اقدام مزبور مبادرت به استقرار سلاحهای هسته‌ای تاکتیکی در منطقه کالینین‌گرا و یادر ناوگان خود در دریای بالتیک خواهد نمود.^۲

روابط روسیه با اروپا و به‌طور کلی با غرب طی دهه گذشته دو روند مستمر همگرایی و رقابت را شاهد بوده است.^۳ این دو گرایش بر سیاستهای امنیتی روسیه تأثیرگذار و از آن تأثیرپذیر بوده است. به‌نظر می‌رسد که زمامداران روسیه با آگاهی از این روابط حساس و دقیق سعی در پیشبرد اهداف خویش دارند و از اهرم‌های نظامی به ویژه تسلیحات راهبردی نه فقط در جهت تهدید بلکه به‌عنوان عاملی جهت نشان دادن حسن نیت خویش در زمینه کنترل تسلیحات بهره می‌جویند. این سیاست در اولین دور جدید مذاکرات سران آمریکا و روسیه در مسکو (اوایل ژوئن سال جاری) بخوبی نمایان گردید. پوتین در مذاکرات خود با کلینتون از یک‌سو ضمن رد پیشنهاد آمریکا جهت تجدیدنظر در قرارداد موشکهای ضدبالستیک (۱۹۷۲) که به آمریکا امکان استقرار یک سیستم ضد موشکی را در محدوده خاک آمریکا می‌دهد، متقابلاً پیشنهاد مشارکت دو کشور برای استقرار یک سیستم دفاع ضد موشکی که هر دو قاره اروپا و آمریکا را دربرگیرد ارائه نمود. به‌نظر می‌رسد که چنین پیشنهادی بیش از آنکه جنبه عملی داشته باشد در جهت جلوگیری از اجرای طرح آمریکا و همچنین جلب حمایت افکار عمومی در

۱. در مورد پیوستن استونی، لتونی و لیتوانی به پیمان ناتو پوتین هشدار داده و اظهار داشته است که چنین اقدامی باعث می‌شود که قلمرو پیمان ناتو به مرزهای روسیه برسد و این امر یعنی تقویت ناتو به تقویت امنیت اروپا کمکی نخواهد کرد. زیرا اگر کشوری مانند روسیه خود را در خطر احساس کند وضعیت اروپا و جهان بی ثبات خواهد شد. نگاه کنید به: روزنامه ایران ۱۳۷۹/۳/۲۸.

2. Oxford Analytica Daily Brief, August 30, 1996.

۳. کلینتون رئیس‌جمهوری آمریکا این روابط پُرچالش را در سخنان خود در دومای روسیه چنین توصیف می‌نماید: آینده روسیه برای دیگران بسیار مهم است زیرا از جمله مهمترین تحولاتی است که جهان در طول عمر من شاهد آن خواهد بود. نگاه کنید به: روزنامه ایران ۱۳۷۹/۳/۱۷.

اروپا مطرح شده است.

در حال حاضر روسیه دارای ۱۱۷۴ سیستم حامل راهبردی^۱ و ۲۲۵۰۰ کلاهک هسته‌ای است. هرچند به موجب قرارداد «استارت - ۲» تعداد کل کلاهک‌های هسته‌ای روسیه و آمریکا تا سال ۲۰۰۷ میلادی محدود به ۳۵۰۰ کلاهک برای هر یک از طرفین خواهد شد. لیکن روسیه به علت محدودیتهای اقتصادی به هر حال ناچار از کاهش کلاهکهای هسته‌ای خود می‌باشد. بنابر بررسی‌های به عمل آمده ضرورت‌های مزبور موجب خواهد شد که به رغم سقف تعیین شده در معاهده «استارت - ۲» تعداد کلاهکهای هسته‌ای روسیه تا سال ۲۰۰۷ به کمتر از ۳۰۰۰ کلاهک تقلیل یابد.^۲ از سوی دیگر روسیه مایل به کاهش هزینه‌های هسته‌ای خویش به منظور آزاد ساختن منابع مالی لازم برای تقویت نیروهای متعارف خویش می‌باشد.^۳

کشورهای مستقل مشترک‌المنافع

یکی از اهداف مهم روسیه در تشکیل سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ایجاد حریم امنیتی پیرامون روسیه و براساس مرزهای شوروی سابق بوده است.^۴ این حریم در چارچوب معاهده‌ای که بین ۱۲ کشور عضو کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در سال ۱۹۹۲ در تاشکند امضا شد و با استقرار گاردهای مرزی روسیه در مرزهای جمهوری‌های سابق - به استثنای جمهوری آذربایجان - جنبه عملی یافت. مع‌هذا با گذشت زمان و جاذبه‌هایی که

۱. برای مقایسه آمریکا دارای ۱۱۰۰ سیستم حامل راهبردی (strategic delivery system) و انگلستان دارای ۴۸ سیستم حامل می‌باشد. در مورد کلاهک‌های هسته‌ای، آمریکا دارای ۱۲۰۷۰ کلاهک هسته‌ای و انگلستان دارای ۱۹۲ کلاهک می‌باشند.

2. Oxford Analytica Daily Brief, April 20, 2000.

3. Ibid

۴. پس از آنکه تلاشهای روسیه برای تشکیل کنفدراسیونی از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع با شکست مواجه شد روسیه برای حمایت از بیش از ۲۵ میلیون نفر اقلیت روس در کشورهای مزبور سیاست «خارج نزدیک» [blizhnii zarubezh = near abroad] را در پیش گرفت که در آن بر نقش نیروهای نظامی روسیه به عنوان نیروی مداخله کننده تأکید شده بود.

پیمان ناتو برای جمهوری‌های سابق به وجود آورد برخی از کشورها از جمله گرجستان، اوکراین، ازبکستان، آذربایجان و مولداوی از پاره‌ای از ترتیبات امنیتی مزبور کناره‌گیری نمودند، لیکن هنوز این جمهوری‌ها از لحاظ امنیتی به روسیه دارای وابستگی‌هایی می‌باشند و حفظ برخی از پیوندهای امنیتی با روسیه را از جمله برای مقابله با ناآرامی‌های داخلی خویش مفید و ضروری می‌دانند. متقابلاً کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع برای روسیه از لحاظ امنیتی حائز اهمیت می‌باشند. در این مجموعه و در اروپا دو کشور اوکراین و روسیه سفید برای روسیه از لحاظ امنیتی نقش کلیدی دارند. اوکراین به عنوان یک کشور پیشرفته صنعتی که از موقعیت ژئوپولیتیک خاصی نیز در حوزه دریای سیاه برخوردار است در برخی از زمینه‌ها می‌تواند رقیبی برای روسیه به شمار رود ولی در عین حال ضرورت بازداشتن این کشور از الحاق به پیمان ناتو، روسیه را ناچار از اتخاذ سیاستی در جهت همکاری نزدیک با این کشور می‌نماید. علاوه بر این مسئله استفاده روسیه از پایگاه‌های دریایی اوکراین در دریای سیاه برای نگهداری ناوگان دریایی خویش در این حوزه بر ضرورت روابط خوب با اوکراین تأکید می‌نماید. در مورد روسیه سفید هرچند مشکل عمده‌ای بین دو کشور از لحاظ امنیتی وجود ندارد ولی اتحاد این دو کشور احتمالاً موجب افزایش تمایلات واگرایی در سایر جمهوری‌های عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در همکاری‌های امنیتی با روسیه خواهد شد.

در منطقه قفقاز به‌رغم گرایش گرجستان به سوی غرب وجود چهار پایگاه نظامی روسیه در آن کشور می‌تواند به صورت اهرم مهمی مورد استفاده روسیه قرار گیرد^۱ این امر به‌ویژه به لحاظ مجاورت گرجستان با منطقه بحرانی شمال قفقاز و چچنستان برای روسیه حائز اهمیت می‌باشد. در مناقشه میان دو کشور جنوبی قفقاز یعنی جمهوری آذربایجان و ارمنستان روسیه

۱. گرجستان در قراردادی که در سال ۱۹۹۵ با روسیه امضا نمود چهار پایگاه نظامی در خاک خود را به مدت ۲۵ سال در اختیار روسیه قرار داد. این امر بعداً با مخالفت‌هایی در گرجستان روبرو شد که بالاخره منجر به تخلیه دو پایگاه نظامی روسیه گردید. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Oxford Analytica Daily Brief, Feb 21, 2000.

آشکارا از ارمنستان حمایت نموده است و این امر نه تنها ریشه در اشتراک مذهبی و سوابق تاریخی این دو کشور دارد بلکه هر دو منافع امنیتی مشترکی را در تقابل با گرایشهای پان ترکیسم در منطقه و سیاستهای ترکیه و جمهوری آذربایجان تعقیب می نمایند.

حوزه دریای خزر

در حوزه دریای خزر روسیه با مهمترین چالشهای امنیتی از سوی غرب به شکل نفوذ و یافتن جای پای راهبردی در منطقه روبرو بوده است.

در سیاست امنیتی روسیه، مرزهای جنوبی این کشور از اهمیت خاصی برخوردار است و در این میان روابط با ایران در حوزه «خاورمیانه بزرگ» - خلیج فارس و اقیانوس هند نقش کلیدی دارد. نقشی که ایران می تواند در ایجاد ثبات و امنیت در جمهوری های تازه استقلال یافته جنوب روسیه داشته باشد در حل بحران تاجیکستان و مراحل نخست بحران در قره باغ بخوبی مشهود گردید. ادامه چنین همکاری های امنیتی در جهت ایجاد صلح در افغانستان و مبارزه با مواد مخدر برای روسیه بسیار ارزشمند است.^۱ همچنین جلب همکاری ایران به عنوان قطب مهم جهان اسلام می تواند در کاهش تنش و حساسیت هایی که نسبت به حضور روس ها در جمهوری های تازه استقلال یافته و یا مناطق مسلمان نشین در فدراسیون روسیه وجود دارد، تأثیر بسزایی داشته باشد.^۲ در این زمینه نقش ایران در مقابله با تهدیدی که روسیه آن را

۱. آقای ویکتور وشنیاکف رئیس سابق کمیته فرعی دوما ی روسیه در امور حقوق بین الملل در مقاله ای در مجله «امور بین المللی» چاپ مسکو از ایران به عنوان متحد «بالقوه» در بسیاری از زمینه های سیاست خارجی روسیه از جمله در زمینه جلوگیری از نفوذ ترکیه و پان ترکیسم در حوزه دریای خزر و آسیای مرکزی و قفقاز، مقابله با آمریکا و همچنین خریدار مهم تسلیحات روسیه نام می برد. نگاه کنید به:

Powel Goble, «Russia - Iran: Analysis from Washington- The Roots of Rapprochement», Washington, 22 March 1999 (RFE/RL).

۲. نگاه کنید به مقاله نگارنده: «مبانی رویکردها و سیاست های راهبردی در روسیه» فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۹، بهار ۱۳۷۹، صص ۹-۸.

«وهابی‌گری» یا «افراط‌گرایی مذهبی» در منطقه می‌نامد برای روسیه بسیار اهمیت دارد. در زمینه امور نظامی، فروش تسلیحات روسیه به ایران طی دهه گذشته روبه توسعه بوده و در طول سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ ایران بیش از ۴ میلیارد دلار از روسیه اسلحه خریداری نمود. خریدهای تسلیحاتی ایران از روسیه در پی ملاقات کلینتون و یلتسین رؤسای جمهور آمریکا و روسیه در مه ۱۹۹۵ و توافق آنها مبنی بر قطع فروش تسلیحات پیشرفته از سوی روسیه به ایران، طی ۵ سال گذشته فقط محدود به فروش اقلام مربوط به تعهدات قبلی بوده است. معهذاً به نظر می‌رسد روسیه که به ایران به عنوان یکی از بازارهای مهم تسلیحات خود می‌نگرد در صدد بازنگری در سیاست مذکور می‌باشد و از این رو سفر یکی از مقامات عالی‌رتبه وزارت دفاع روسیه به ایران در راستای ادامه سیاستهای گذشته و برای اعاده روابط نزدیک نظامی دو کشور ارزیابی شده است.^۱

در بُعد امنیت منطقه‌ای، ایران که در مجاورت دو حوزه نفت خیز خلیج فارس و دریای خزر واقع شده است می‌تواند برای روسیه که با چالش‌های جدی غرب جهت گسترش نفوذ در حوزه دریای خزر و قفقاز روبرو می‌باشد تکیه‌گاه امنیتی مناسبی محسوب شود. علاوه بر این، اشتراک نظر روسیه با ایران در مورد ضرورت مقابله با جهان تک‌قطبی و مخالفت ایران با حضور نیروهای بیگانه در منطقه از کارت‌های مهمی است که روسیه سعی می‌نماید در قبال آمریکا از آن بهره جوید. با این حال عوامل بازدارنده‌ای در روسیه جهت تحقق همکاری‌های امنیتی گسترده‌تر با ایران وجود داشته است که به اهم آن اشاره می‌شود:

۱. وجود گرایشهای ناسیونالیستی افراطی که هنوز رؤیای احیای امپراتوری روسیه را در سر می‌پرورند و حضور کشورهای دیگر از جمله ایران را در حوزه «خارج نزدیک» رقیب و یا تهدیدی برای روسیه به‌شمار می‌آورند.^۲

۱. روزنامهٔ وریناوتوستی چاپ مسکو، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران از مسکو (۱۳۷۹/۴/۷).

۲. مقاله نگارنده، پیشین، ص ۱۱.

۲. وجود این باور در میان برخی از صاحب‌نظران در روسیه مبنی بر اینکه دوران مفارقت ایران و غرب و به‌ویژه با آمریکا دائمی نیست و با سرآمدن دوران مذکور، ایران به روابط با غرب اولویت می‌دهد و روابط با روسیه در حاشیه قرار خواهد گرفت.^۱
۳. وجود تفکری که «اسلام» را به‌طور بالقوه تهدیدی امنیتی تلقی می‌کند.^۲
۴. نقش منفی اسرائیل با توجه به نفوذ قابل ملاحظه‌ای که طرفداران اسرائیل در شئون سیاسی و اقتصادی روسیه یافته‌اند.^۳

آسیای مرکزی

در آسیای مرکزی زمین‌های بی‌ثباتی مانند منطقه قفقاز وجود دارد و ناآرامی‌ها می‌تواند به‌آسانی به مرزهای روسیه سرایت نماید. روسیه و کشورهای آسیای مرکزی عوامل عمده تهدید راگسترش افراط‌گرایی اسلامی و همچنین قاچاق مواد مخدر تلقی می‌نمایند. از این رو ملاحظه می‌گردد که در اولین سفر آقای پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور روسیه به این منطقه بیش از پیش بر ضرورت همکاری در جهت مقابله با این تهدیدات تأکید شده است.

۱. این نگرانی‌ها به‌ویژه در پی سیاست تنش‌زدایی دولت آقای خاتمی در محافل علمی و تحقیقاتی روسیه مشهود بوده است. ازجمله نگاه کنید به:

Radzhab Safurov, «Tegeran prinyalinaz zapade», Nezavisimya Gazeta, 12 March 1999, p.6.

۲. از «اسلام سیاسی» به‌ویژه در ارتباط با جمهوری‌های تازه استقلال یافته مسلمان به‌عنوان یک تهدید نامبرده شده است. نگاه کنید به:

Oxford Analytica Daily Brief, October 1, 1998 and February 17, 2000.

۳. برای مطالعه بیشتر در این مورد رجوع شود به: محمدرضا ملکی، «عامل منفی اسرائیل در روابط ایران و روسیه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۵، بهار ۱۳۷۸، صص ۲۹-۴۱. نکته قابل ملاحظه دیگر در این مورد این است که افرادی مانند Berezovskii که گفته شده دارای تابعیت مضاعف روسی و اسرائیلی هستند تا بالاترین سمت‌ها یعنی معاونت دبیر شورای امنیت روسیه (در دوران یلتسین) ارتقاء یافته‌اند نگاه کنید به:

Oxford Analytica Daily Brief, November 8, 1996.

به نظر می‌رسد که آقای پوتین در تعقیب سیاست اعاده و افزایش نفوذ روسیه در آسیای مرکزی می‌باشد. حضور حدود ۲۵،۰۰۰ سربازان روسیه در تاجیکستان که حراست از مرزهای جنوبی آن کشور با افغانستان را به عهده گرفته‌اند و قرارداد دو کشور برای تأمین دفاع هوایی تاجیکستان، زمینه تأسیس پایگاه‌های نظامی روسیه را در این منطقه حساس ژئوپلیتیک برای اولین بار پس از استقلال پنج کشور آسیای مرکزی فراهم ساخته است.^۱

علاوه بر آن روسیه در پی نگرانی از تأثیر منفی تحولات در افغانستان و کمکهایی که از سوی طالبان به رزمندگان چین گزارش شده بود موضع سخت‌تری نسبت به طالبان اتخاذ کرد و برای اولین بار پس از خروج نیروهای شوروی از افغانستان مسأله احتمال مداخله نظامی روسیه در افغانستان و بمباران مواضع طالبان را مطرح نمود.

خاور دور

در حوزه خاور دور روابط سنتی چین و روسیه با ملاقات سران و مقامات عالی‌رتبه دو کشور از زمان یلتسین وارد مرحله نوینی از همکاری‌ها گردیده است. اشتراک منافع امنیتی چین و روسیه در مقابله با گرایشهای «جدایی طلبی» به شکل حمایت چین از سیاست روسیه در بحران چینستان و متقابلاً حمایت مسکو از پکن در قبال مسأله تایوان نمایان گردیده است از سوی دیگر تشکیل «گروه پنج شانگهای» با حضور روسیه و چین نشان از عمق این روابط دارد. همچنین فروش اقلام مهم نظامی روسیه به چین از جمله زیردریایی، موشک‌های زمین به زمین و هواپیماهای پیشرفته نظامی بر اهمیت این همکاری‌ها تأکید دارد.^۲

1. Joseph Fitchett, «A Ressurgent Russian Influence Grips Former Soviet Central Asia», International Herald Tribune, August 9/2000.

۲. برای اطلاع بیشتر در مورد اقلام نظامی مزبور رجوع شود به: محمدجواد امیدوارنیا، «مناسبات روسیه و چین در آستانه قرن بیست و یکم»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال نهم، دوره سوم، شماره ۲۹، بهار ۱۳۷۹، صص ۳۹-۴۰.

اختلافات مرزی روسیه با ژاپن در مورد جزایر «کوریل» مهمترین مانع در توسعه روابط این دو کشور به‌شمار می‌رود. معهد ژاپن به‌رغم ابهاماتی که در روابط روسیه با صندوق بین‌المللی پول وجود دارد مهمترین وام‌دهنده به روسیه به‌شمار می‌رود و از جمله از وام ۱/۵ میلیارد دلاری مزبور مبلغ ۱۲۰ میلیون دلار جهت اوراق نمودن زیردریایی‌های فرسوده هسته‌ای روسیه در ناوگان آن کشور در حوزه اقیانوس آرام اختصاص یافته است.^۱

در شبه جزیره کره، روسیه در صدد ایفای نقش فعالتری است. آقای ایوانف وزیر خارجه روسیه اوایل سال جاری میلادی و در اولین سفر یک مقام عالی‌رتبه روسیه به کره شمالی قرارداد جدید دوستی میان دو کشور را امضا نمود. ضمناً قرار است بزودی آقای پوتین به‌عنوان اولین رئیس‌جمهوری روسیه از پیونگ یانگ بازدید نماید. این تحرکات دیپلماتیک می‌تواند به نشانه تمایل مسکو برای به‌دست آوردن نفوذ گذشته خود در صحنه شبه جزیره کره که از یک دهه قبل و از زمان شناسایی کره جنوبی توسط گورباچف به حال رکود درآمده بود، تلقی گردد.^۲

ابزارهای سیاست امنیتی روسیه

شوروی سابق از بزرگترین نیروی نظامی جهان برخوردار بود و قدرت هسته‌ای آن با آمریکا به‌عنوان ابرقدرت حریف رقابت می‌نمود. تحولات پس از فروپاشی شوروی از حجم و توان نیروی نظامی این کشور به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای کاسته است. این امر از یک‌سو به‌علت جدایی سرزمینی جمهوری‌های چهارده‌گانه از روسیه و از سوی دیگر به‌علت ضعف اقتصادی می‌باشد. برخی از ناظران عقیده دارند که بودجه کلان نظامی در دوران شوروی سابق یکی از علل ضعف و نابسامانی اقتصادی و نهایتاً عامل فروپاشی آن بوده است. تکیه عمده نیروی نظامی در زمان شوروی به‌ویژه در اروپا بر نیروهای متعارف قرار داشت لذا غرب در چارچوب ناتو، به آئین

1. Oxford Analytica Daily Brief, May 10, 2000.

2. Oxford Analytica Daily Brief, April 11, 2000.

بازدارندگی هسته‌ای به‌منظور جبران کاستی‌های نیروی متعارف خویش در برابر شوروی متوسل می‌گردید. در شرایط فعلی و در پی تحولات ساختاری در نیروهای طرفین اینک روسیه در قبال ناتو از لحاظ نیروهای متعارف احساس ضعف می‌نماید و از این رو روسیه در آئین نظامی جدید خویش تأکید بیشتری بر کاربرد تسلیحات هسته‌ای نموده است. در عین حال در این آئین پیش‌بینی شده که تأکید بیشتر روسیه بر تسلیحات هسته‌ای به معنای نادیده گرفتن اهمیت نیروهای متعارف به‌ویژه در صحنه داخلی و مناطق همجوار و در جهت «تقابل با تهدیدات منطقه‌ای» نمی‌باشد. برای مثال نیروهای متعارف روسیه همانطور که در بالا اشاره گردید نقش مهمی در صحنه مناقشات در آبخازستان و قره‌باغ و همچنین تاجیکستان ایفا نموده‌اند و احتمالاً در آینده نیز در درگیری‌های نظامی منطقه‌ای بر این نیروها تکیه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

سیاست امنیتی روسیه تحت تأثیر شرایط در حال گذار آن کشور در حال تحول می‌باشد. این سیاست با نگرش نخبگان و رهبران و بخصوص ریاست جمهوری روسیه که نقشی اساسی در این زمینه دارد در ارتباط نزدیک بوده و از آن تأثیرپذیر است. انتخاب آقای پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید روسیه انظار بین‌المللی را متوجه سیاستهایی که دولت وی به‌ویژه در قبال مسایل امنیتی اتخاذ می‌نماید نموده است. در این زمینه نکات زیر قابل ملاحظه است: آقای پوتین وارث دوران زمامداری طولانی آقای یلتسین است. آقای یلتسین در دوران حساس تشکیل فدراسیون روسیه با چالشهای مختلفی به‌ویژه در صحنه بین‌المللی روبرو بود. ولی موفقیت‌های اولیه وی بتدریج در اثر ضعف سلامت جسمانی و مداخله خویشان و نزدیکان وی در اداره امور کشور کمرنگ‌تر شد.

به‌نظر می‌رسد که در دوران کوتاهی که از زمامداری آقای پوتین می‌گذرد محور اصلی سیاست امنیتی وی مبتنی بر احتراز از مقابله‌جویی و برخورد با آمریکا و سعی در یافتن نقاط

تفاهم مشترک با آن کشور می‌باشد. این سیاست سعی دارد تا از کنترل تسلیحات هسته‌ای و موشک‌های بالستیک و یا سیستم‌های دفاعی مربوط به آن بیشتر به‌عنوان اهرمی جهت کسب امتیاز در امور امنیت منطقه‌ای به‌ویژه در اروپا و جلوگیری از گسترش ناتو به شرق بهره‌برداری نماید. در این راستا روسیه همچنین در صدد یافتن نقاط تفاهم مشترک با کشورهای اروپایی برای فشار به آمریکا است. این سیاست به‌ویژه در ارتباط با سیستم دفاع موشکی بخوبی مشهود است. بُعد دیگر این سیاست در فعالیت‌های روسیه در سازمان امنیت و همکاری اروپا تجلی می‌یابد تا از آن به‌عنوان عاملی جهت مقابله با گسترش ناتو به شرق سود جوید. حساسیت روسیه نسبت به دو جمهوری اسلاو شوروی سابق یعنی بلاروس و اوکراین بیش از سایر جمهوری‌های شوروی سابق می‌باشد و احتمالاً در آینده شاهد تلاش بیشتر روسیه برای همگرایی امنیتی با این دو جمهوری خواهیم بود. اعمال این سیاست در حالی که در مورد «بلاروس» ممکن است با مشکل عمده‌ای روبرو نشود، در مورد اوکراین چندان آسان نیست زیرا جاذبه‌های غرب برای اوکراین می‌تواند موانعی جدی در راه همگرایی امنیتی میان روسیه و اوکراین به‌وجود آورد.

در حوزه دریای خزر روسیه با چالش‌های نفوذ آمریکا و غرب از یک‌سو و گرایشات پان‌ترکیسم از سوی دیگر مواجه است. به‌نظر می‌رسد با توجه به موقعیت برجسته ایران در این منطقه روسیه به ایران به‌عنوان یک متحد «بالقوه» می‌نگرد. با این حال عوامل بازدارنده‌ای مانع برقراری روابط امنیتی نزدیک‌تر روسیه با ایران بوده است که از جمله می‌توان به نقش منفی اسرائیل در این روابط اشاره داشت.

در آسیای مرکزی و قفقاز نیز روسیه با چالش‌های مهم امنیتی روبرو است به عقیده برخی از کارشناسان مسایل امنیتی این دو منطقه آسیب‌پذیرترین بخش‌هایی است که می‌توانند به لحاظ امنیتی بر امنیت روسیه تأثیرگذار باشند. روسیه طی یک دهه گذشته سعی داشته تا در چارچوب همکاری کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به ایجاد ساختارهای امنیتی بپردازد. لیکن بخش عمده‌ای از این تلاش‌ها از آنجا که تداعی‌کننده دوران شوروی و نقش مسلط روسیه

بوده با تحفظ کشورهای این منطقه مواجه گردیده است. معهدنا روسیه با برخورداری از ساختارهای نظامی مستقر در منطقه سعی در بهره‌گیری‌های لازم از این امتیاز را داشته است. اولین سفر آقای پوتین به منطقه به‌عنوان ریاست جمهوری روسیه موجب گردید تا پس از سالها مقامات کشورهایی مانند ازبکستان به همکاری امنیتی با روسیه از خود تمایل نشان دهند.

در خاور دور روسیه با تعامل با سه کشور آسیای مرکزی و چین در چارچوب «گروه پنج شانگهای» در صدد تقویت کارت آسیایی خود در برابر غرب برآمده است. معهدنا مسأله جزایر «کوریل» بر روابط آینده روسیه با ژاپن سایه افکنده و فقط حل مسالمت‌آمیز این مسأله می‌تواند دورنمای امنیتی امیدبخش تری را ارائه نماید.

در شبه جزیره کره نیز روسیه پس از یک دهه غیبت تمایل خود را برای ورود مجدد به صحنه به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی نشان داده است.

به‌طور کلی در بررسی حوزه‌های امنیتی فوق‌الذکر چنین به‌نظر می‌رسد که در سیاست‌های امنیتی روسیه، اروپا کماکان به‌عنوان اولویت نخستین امنیتی مطرح می‌باشد. این امر به لحاظ تجربه‌های تاریخی گذشته و همچنین چالش‌های کنونی به شکل گسترش ناتو به سوی شرق قابل توجیه است. از این رو به‌نظر می‌رسد که روسیه، جهت مقابله با چالش‌های مزبور ظاهراً در صدد بهره‌گیری از عامل برتری تسلیحات استراتژیک خود برای چانه‌زنی‌های دیپلماتیک و در مذاکرات کنترل تسلیحات با آمریکا و غرب می‌باشد.